

تحلیل و بررسی دلالت آیه تطهیر بر عصمت اهل بیت^(ع) در نگاه مفسران شیعه و اهل سنت

کاوس روحی برندق*

دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس تهران، تهران، ایران

سید سجاد غلامی**

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس تهران، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۲۷)

چکیده

در قرآن کریم، آیاتی با بسامد فراوان درباره امامت، ولایت و فضایل اهل بیت^(ع) وجود دارد. یکی از این آیات که مفسران در محتوای آن بحث و گفتگو کرده‌اند، «آیه تطهیر» می‌باشد که راهگشای آیه درباره منزلت، عصمت و امامت اهل بیت^(ع) است. این مقاله دیدگاه مفسران شیعه و اهل سنت^(۱) (بیش از ۲۵ تفسیر) را درباره چگونگی دلالت آیه بر عصمت مورد پژوهش قرار داده‌است و پس از تحلیل، ارزیابی و نقد دیدگاه‌های مختلف به این نتیجه دست یافته‌است که مفسران شیعه چهار دیدگاه و مفسران اهل سنت دو دیدگاه را در این زمینه مطرح کرده‌اند و از میان همه تقریرها، دو دیدگاه از نظر استدلال به عنوان بهترین دیدگاه میان مفسران سلف و متأخر شیعه و اهل سنت برگزیده شده‌است. اولین دیدگاه، استدلال علامه طباطبائی در تفسیر المیزان به دلیل زاویه خاص نگرش به مفهوم واژگان شاخص آیه تطهیر و چگونگی عملکرد اراده خدا در اذهاب رجس و طهارت اهل بیت^(ع) و دیگری نظر سید محمدحسین فضل‌الله در تفسیر من وحی القرآن است که به مصداق و عینیت آیه بیشتر نزدیک شده‌است و به نوعی تفسیر دیدگاه علامه طباطبائی به‌شمار می‌آید.

واژگان کلیدی: آیه تطهیر، اهل بیت^(ع)، عصمت، مفسران، شیعه، اهل سنت.

* E-mail: k.roohi@modares.ac.ir (نویسنده مسئول)

** E-mail: s.s.gholami1986@gmail.com

مقدمه

جایگاه ویژه اهل بیت^(ع) از سده‌های نخستین اسلام تاکنون مورد توجه عالمان و دانشمندان اسلامی بوده است و در آثار خویش بدان اذعان کرده‌اند. آیه تطهیر ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (الأحزاب/۳۳) از جمله آیات بحث‌برانگیزی است که در طول قرن‌های متمادی مورد توجه ویژه دانشمندان و مفسران جهان اسلام قرار گرفته است. مهم‌ترین نقطه اختلاف در تفسیر این آیه، مسئله «عصمت» است که نزد دانشمندان شیعه از دلایل نقلی اثبات افضلیت اهل بیت^(ع) به‌شمار آمده است و جایگاه و منزلت ویژه اهل بیت^(ع) را نشان می‌دهد. در مقابل، دانشمندان اهل سنت نظر شیعه را برنرفته‌اند. با این حال، در باب چگونگی دلالت آیه تطهیر بر عصمت اهل بیت^(ع) به صورت پژوهش مقارنه‌ای و تطبیقی میان دیدگاه مفسران شیعه و اهل سنت تاکنون پژوهش مستقلی سامان نیافته است. از این رو، این مقاله درصدد است چگونگی دلالت آیه بر عصمت اهل بیت^(ع) را از نظر مفسران شیعه و اهل سنت مورد پژوهش قرار دهد و به تحلیل، ارزیابی و نقد دیدگاه‌های مطرح در این زمینه دست زند.

بحث درباره آیه تطهیر پیشینه‌ای دیرینه و درازدامن دارد. از جمله کتاب‌هایی که در این زمینه نگارش شده است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- السحاب المظير في تفسير آية التطهير، تأليف قاضي نورالله شوشتری (۱۰۱۹ق.). ۲-
- تطهير التطهير، اثر فاضل هندی (۱۳۳۵ق.). ۳- اذهاب الرجس عن حظيرة القدس، اثر شیخ عبدالکریم بن محمد طاهر قمی. ۴- جلاء الضمير في حل مشكلات آية التطهير، تأليف شیخ محمد بحرانی (۱۳۲۵ق.). ۵- قطاب دوائر، تأليف عبدالحسین بن مصطفی. ۶- آية التطهير رؤية مبتكرة، اثر فاضل لنکرانی و اشراقی. ۷- آية التطهير في احاديث الفريقين، تأليف سيد علي موحد ابطحي (۱۴۰۵ق.).

مقالاتی که درباره آیه تطهیر نوشته شده است نیز عبارتند از:

۱- رحیمی، غلامرضا. (۱۳۸۳). «مصدق اهل بیت - علیهم السّلام- در آیه تطهیر با رویکرد به منابع اهل سنت». *پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی*. ش ۸ و ۹. صص ۱۷۸-۱۱۱.

۲- جوان ملکوتی، عبدالله. (۱۳۷۶). «اهل بیت و آیه تطهیر در تفاسیر مهم اهل سنت». *مقالات و بررسی‌ها*. ش ۶۲. صص ۷-۲۲.

۳- اسکندری، حسن. (۱۳۹۰). «آیه تطهیر و دیدگاه سلفیه». *سراج منیر*. ش ۲. صص ۷۰-۴۹.

۴- بابایی، علی اکبر. (۱۳۹۱). «استقلال نزول آیه تطهیر و تأثیر آن در ظهور و فهم معنای آیه». *اندیشه نوین دینی*. ش ۲۸. صص ۲۵-۴۴.

با این حال، هیچ یک از این مقالات و کتاب‌ها به چگونگی دلالت آیه بر عصمت اهل بیت^(ع) میان مفسران پرداخته‌است. روش این پژوهش در گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای، در استناد به داده‌ها، اسنادی و در تجزیه و تحلیل، شیوه تحلیل محتوای کیفی (از نوع توصیفی-تحلیلی) است و روند این پژوهش بدین صورت است که نخست به تبیین مفاهیم پرداخته می‌شود. سپس به چگونگی دلالت آیه تطهیر بر عصمت اهل بیت^(ع) از دید مفسران شیعه و آنگاه به دیدگاه اهل سنت، پس از آن، تحلیل و تبیین و نقد دیدگاه‌ها و در پایان، دیدگاه برگزیده تقویت و به نتیجه پژوهش پرداخته خواهد شد.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. مفهوم اراده در لغت و اصطلاح

اصل معنایی ریشه «ر-و-د» به معنای «خواستن و طلب کردن» است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۴۵۸) و واژه «اراده» به معنای «خواستن و طلب کردن همراه با اختیار» معنا شده‌است (ر.ک؛ جوهری، ۱۳۷۶، ج ۲: ۴۷۶). در اصطلاح نیز «اراده» عبارت است از میل و شوق درونی به انجام کار که انسان آن را بدون واسطه درک می‌کند؛ مانند لذت و درد

که بدون واسطه درک شدنی است. در مقابل اراده، کراهت و جبر است که انسان هیچ گونه اختیار و میلی نسبت به آن ندارد (ر.ک؛ سبحانی، ۱۴۱۲ق.، ج ۱۰: ۱۶۶). حکیمان اراده خدا را به دو نوع تقسیم می کنند: اراده تکوینی و اراده تشریعی. اراده تشریعی عبارت است از علم به مصلحت در فعل مکلف و اراده تکوینی علم به نظام است به نحو اتم و اکمل (ر.ک؛ خراسانی، ۱۴۱۵ق.، ج ۱: ۹۹ و سبحانی، بی تا، ج ۴: ۵۲). در قرآن کریم، واژه «اراده» در هر دو معنای تکوینی و تشریعی کاربرد دارد؛ از جمله آیه ۸۲ سوره یس^۱ ناظر به تعریف بیان شده از اراده تکوینی است؛ یعنی اراده ای که بین خواستن تا تحقق خارجی فاصله ای وجود ندارد و آیه ۶ سوره مائده^۲ ناظر بر اراده تشریعی است که دلالت بر تشریع حکم وضو و تیمم دارد (ر.ک؛ ابن عاشور، بی تا، ج ۵: ۵۳ و طوسی، بی تا، ج ۳: ۴۵۸). به هر حال، در این پژوهش، با توجه به آنچه در ادله خواهد آمد، «اراده» به معنای اراده تکوینی به کار رفته است.

۲-۱. مفهوم «رجس» در لغت و اصطلاح

از دید ابن فارس، اصل ریشه «ر-ج-س» به معنای «امتزاج و آمیخته شدن» است (ر.ک؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق.، ج ۲: ۴۹۰) و از دید مصطفوی، به «مناسب و شایسته نبودن چیزی در فرد است که بر اساس آنچه نزد عرف مردم و عقل سلیم مکروه و مؤکداً قبیح باشد» (مصطفوی، ۱۴۳۰ق.، ج ۴: ۶۴). لغت شناسان واژه «رجس» را به «پلیدی و ناپاکی» معنا کرده اند (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۳۴۲؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق.، ج ۶: ۵۲ و ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۱: ۲۲۰) و در معنای «فراگیری به هر چیزی که موجب نقص و آزار روح و جسم آدمی می شود، «رجس» می گویند؛ مانند اضطراب در رأی، معصیت و آلودگی، افتادن در دام وسوسه های شیطان و هر آنچه که موجبات تنفر و کراهت در انسان شود. در اصطلاح فقه نیز رجس عبارت از آلودگی ظاهری، مانند بول، خون و... می باشد (ر.ک؛ عاملی نبطی، ۱۴۱۰ق.، ج ۲۵) و در اصطلاح اخلاق و عرفان، به آلودگی های باطنی، مانند فواحش، بخل و... رجس گفته می شود (ر.ک؛ سلمی، بی تا، ج ۱: ۱۶۳ و قشیری، بی تا: ۲۶۰). در قرآن کریم، واژه «رجس» در ۱۰ آیه و در دو نوع کلی

«آلودگی ظاهری» (المائدة / ۹۰ و الأنعام / ۱۴۵)^۳ و «آلودگی باطنی» (التوبة / ۹۵؛ الأنعام / ۱۲۵؛ الأعراف / ۷۱ و التوبة / ۱۲۵)^۴ به کار رفته است.

۳-۱. مفهوم «رجس» و «تطهیر» در لغت و اصطلاح

اصل معنای «تطهیر» از ریشه «ط-ه-ر» به معنای «پاکی و زوال آلودگی» است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۴۲۸؛ راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۵۲۶ و جوهری، ۱۳۷۶، ج ۲: ۷۲۷) و به پاکی از آلودگی ظاهری و آلودگی باطنی اطلاق می‌گردد (ر.ک؛ مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۷: ۱۵۶؛ راغب اصفهانی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۵۰۴ و ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴: ۵۰۴) و تنزه از هر عیب و رجس مادی و معنوی در هر مرتبه‌ای از مراتب، خواه در افکار، صفات و یا اعمال را فرامی‌گیرد (ر.ک؛ عاملی نبطی، ۱۴۱۰ق: ۲۵؛ سلمی، بی‌تا، ج ۱: ۱۶۳ و قشیری، بی‌تا: ۲۶۰). در اصطلاح دانش فقه، مراد از «طهارت»، طهارت ظاهری و در اخلاق و عرفان، منظور از آن، طهارت باطنی است که از راه توبه و استغفار به دست می‌آید (ر.ک؛ غزالی، بی‌تا، ج ۲: ۳۲) و انواع طهارت، اعم از ظاهری (الأنفال / ۱۱)^۵، باطنی (آل عمران / ۴۲)^۶ و مطلق (التوبة / ۱۰۸)^۷ در قرآن به کار رفته است. در این پژوهش، مراد از «رجس و طهارت»، آلودگی و طهارت باطنی است؛ چراکه معنای آلودگی و طهارت ظاهری اختصاصی به اهل بیت^(ع) ندارد.

۴-۱. مفهوم «اهل بیت» در لغت و اصطلاح

گوهر معنایی ریشه «ا-ه-ل» عبارت از انس همراه با تعلق خاطر و وابستگی به یکدیگر است و مراتب متفاوتی دارد و انس میان همسر، فرزندان پسر و دختر، نوه‌ها، داماد و... زیرمجموعه این واژه است (ر.ک؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۱۵۱-۱۵۲ و مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۱: ۱۸۵). واژه «أهل» خود به معنای «شایسته، سزاوار و مستوجب» آمده است (ر.ک؛ ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ج ۴: ۲۵۶) که از «مضاف‌إلیه» آن، مفاد واقعی به دست می‌آید: «أهل الأمر: زمامداران حکومت»، «أهل الإنجیل: پیروان/انجیل» (المائدة / ۷۴) و... «اهل بیت» را نیز به «ساکنان خانه و خانواده» معنا کرده‌اند (ر.ک؛

زهری، ۱۴۲۱ق.، ج ۶: ۲۲۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق.، ج ۱۱: ۲۸ و مصطفوی، ۱۴۳۰ق.، ج ۱: ۱۸۳). بنابراین، مراد از «اهل بیت» در لغت، ساکنان خانه و مجموع افراد خانواده است که در کنار یکدیگر در یک خانه زندگی می کنند و به همین معنا در قرآن (هود/ ۷۳؛ القصص/ ۱۲ و الأحزاب/ ۳۳) به کار رفته است و مفسران اهل سنت و شیعه بدان تصریح کرده اند (ر.ک؛ طوسی، بی تا، ج ۶: ۳۴؛ همان، ج ۸: ۱۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵: ۲۷۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق.، ج ۲۲: ۴۹؛ ابن عاشور، بی تا، ج ۲۰: ۲۵). اما در آیه ۳۳ سورة احزاب، درباره مصداق «اهل بیت» بین فریقین اختلاف نظر وجود دارد. اهل سنت با استناد به قراین درون قرآنی، چون آیات مشابهی که این لفظ در آن به کار رفته است و نیز سیاق آیه، مراد از اهل بیت را خانواده پیامبر^(ع)، اعم از زن و فرزند می دانند (ر.ک؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق.، ج ۳: ۵۳۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق.، ج ۱۱: ۱۹۴؛ ابن عاشور، بی تا، ج ۲۱: ۲۴۶ و شاذلی، ۱۴۱۲ق.، ج ۵: ۲۸۶۰). شیعیان بر اساس قراین درون قرآنی و سیاق، مصداق اهل بیت^(ع) را پنج تن آل عبا^(ع) می دانند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۱: ۳۱۰-۳۱۱) و به قراین برون قرآنی و نیز احادیث بسیاری که از فریقین نقل شده است، اهل بیت را پنج تن آل عبا^(ع) معرفی می کنند (ر.ک؛ ابن حنبل، بی تا، ج ۶: ۴۲۳؛ طبری، ۱۴۱۲ق.، ج ۱۲: ۶؛ طبرانی، بی تا، ج ۳: ۵۱ و...) استناد می کنند.

۲. مفهوم آیه تطهیر از نظر مفسران شیعه

آیه تطهیر از مهم ترین آیاتی است که بر شرط اساسی امامت، یعنی «عصمت» دلالت دارد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۶: ۴۶۸). مفسران شیعه در عین اتفاق بر برداشت عصمت اهل بیت^(ع) از این آیه، دیدگاه های گوناگونی را در تقریر آیه ارائه داده اند که از این میان به چهار دیدگاه بسنده می شود:

۱-۲. قاعده لطف

برخی از مفسران شیعه اراده الهی را در آیه تطهیر به معنای «لطف» تبیین کرده اند و گفته اند که «اراده اذهاب رجس از اهل بیت» همان لطفی است که خداوند به آنان می کند

و به واسطه آن، آنان را از زشتی‌ها بازمی‌دارد (ر.ک؛ طوسی، بی‌تا، ج ۸: ۳۴۱ و مفید، ۱۴۲۴ق: ۴۱۴). در واقع، «لطف» موهبتی است که در پرتو آن، اسباب اطاعت از دستورهای مولی فراهم و زمینه‌های دوری از معصیت او مساعد می‌شود. بر اساس قاعده مذکور، اراده خدا از اذهاب رجس، همان فراهم نمودن اسباب اطاعت و برچیدن زمینه معصیت است، اما لطف الهی که صاحب تفسیر تبیان بیان می‌کند، اندکی با قاعده لطف فرق دارد و آن اینکه در قاعده لطف، امری است در خارج که از پرتو آن، اسباب طاعات و دوری از نواهی مهیا می‌شود، اما در استدلال مفسر تبیان، لطف را ملموس‌تر و عینیت‌بخش‌تر بیان داشته‌است؛ چراکه شخص با اختیار خود به آن رجوع کرده، معاصی را از خود دور می‌کند.

۲-۲. اراده محقق

بعضی دیگر از مفسران، اراده الهی مذکور در آیه را به صورت «اراده محقق» یا همان «امر تکوینی» تبیین کرده‌اند که به معنای «اراده کُن فیکونی» است و گفته‌اند که «اراده اذهاب رجس از اهل بیت»، همان اراده‌ای است که پیرو آن، تطهیر و اذهاب از رجس و پلیدی شکل می‌گیرد (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸: ۵۶۰). قاطبه مفسران شیعه به تقریر صاحب مجمع‌البیان استناد جسته‌اند و استدلال فوق را گاه با نقصان و اضافه بیان کرده‌اند (ر.ک؛ سبزواری نجفی، ۱۴۱۹ق: ۴۲۷؛ طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۵۰۴؛ حسینی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۳: ۱۰۴؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲۴: ۱۳۲؛ کاشانی، ۱۴۲۳ق، ج ۵: ۳۷۳؛ امین اصفهانی، ۱۳۶۱، ج ۱۰: ۲۲۷ و حائری تهرانی، ۱۳۷۷، ج ۸: ۳۰۴). این معنا همان «امر کُن فیکونی» خداست که بین خواستن تا انجام آن فعل، هیچ فاصله‌ای وجود ندارد؛ یعنی خدا اراده کرده‌است که اهل بیت^(ع) از رجس و تطهیر شوند که شدند.

۲-۳. درک حقیقت در اعتقاد و عمل (عصمت الهیه)

این دیدگاه در سه گام تقریر می‌شود. گام نخست تبیین معنای واژه «رجس» است که به دو معنای «رجس ظاهری»، مانند خوک، خون، گوشت حیوان مرده... و «رجس

باطنی»، مانند شرک، کفر، اثر عمل سوء بیان شده است. اگر مراد از رجس، هر یک از معانی باطنی باشد، آن ادراک نفّسانی و اثر شعوری است که از وابستگی قلب به اعتقادی باطل یا عملی زشت حاصل می شود (و انسان پلید، یعنی انسانی که به سبب دل بستگی به عقاید باطل یا عمل باطل، دلش دچار پلیدی شده است). گام دوم، مراد از آن، «اذهاب الرّجس» است؛ یعنی خدا می خواهد تمام انواع پلیدی ها، و هیئت های خبیثه و رذیله را از نفّس شما ببرد؛ هیئت هایی که اعتقاد و عمل به حق را از انسان می گیرد و چنین ازاله ای با عصمت الهی منطبق می شود و آن عبارت است از صورت علمیه ای در نفّس که انسان را از هر باطلی، اعم از عقاید و اعمال حفظ می کند. گام سوم، زایل ساختن اثر رجس با وارد کردن مقابل آن است و آن عبارت از اعتقاد به حق است. پس تطهیر اهل بیت عبارت شد از اینکه ایشان را مجهّز به ادراک حق کند؛ حق در اعتقاد و حق در عمل (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶: ۴۶۸ و قرشی، ۱۳۷۷، ج ۸: ۳۵۴). در واقع، آماده نمودن آن ها به درک حقیقت در اعتقاد و عمل، همان عصمت الهیه است که عمل به احکام و دوری از گناهان را به دنبال دارد. این دیدگاه وامدار معرفت نفّس اسفار ملاصدراست (ر.ک؛ صدرای شیرازی، ۱۹۸۱م، ج ۹: ۱۳۷). ملاصدرا ذات و هویت انسان را مانند آینه ای می داند که هر صورتی در آن انعکاس یافتنی است. وی شرط این را که چنین صورت علمیه ای حاجب، مانع و موجب شقاوت انسان نشود، در این چند چیز می داند که منعکس در صورت علمیه است. نخست آنکه در این صورت علمیه (تصور ذهنی نسبت به اشیاء)، جوهر نفّس و بالقوه بودن آن نقص نداشته باشد؛ نظیر آینه ای که قبل از ساختن، پرداختن و صیقلی نمودنش، قطعاً آهن و سنگی فاقد شفافیت است و صلاحیت انعکاس صُور را همچون نفوس کودکان شیرخواه ندارد. دوم اینکه غبار و کدورات شهوات و معاصی که سبب تیرگی جوهر نفّس و مانع از ظهور و تجلی حق در اوست، وجود نداشته باشد؛ نظیر تیرگی آینه و غباری که ظاهر و باطن او را فرا گرفته است و مانع از انعکاس صُور اشیاء در آن است. سومین عاملی که به عنوان حاجب و مانع نفّس از آن نام می برد، انحراف او از عالم حقایق و توجه و التفات او به جانب مصالح زندگی مادی و انصراف او از اهتمام به طاعات، عبادات، دانش، بینش و تأمل درباره آن ها و...

است. وی چهارمین عاملی را که بین نَفَس و صُور علمیه حجاب و سد می‌داند، آرا و عقاید باطلی معرفی می‌کند که از آغاز فطرت از طریق تقلید و تعصب در وی جایگزین شده تا به حدی که مانع از ادراک حق و حقیقت شده‌است؛ همچون دیواری که میان آینه و صورت حایل است (ر.ک؛ همان، و نیز ر.ک؛ سجادی، ۱۳۷۹: ۲۶۴-۲۶۵). همه موارد بیان‌شده بیانگر عصمت الهی است که علامه طباطبائی ذیل آیه تطهیر بیان می‌دارد.

نقطه تلاقی هر دو در توضیح صورت علمیه و عوامل و حجاب‌هایی است که انسان را احاطه و موجب عصمت و بی‌عصمتی (شقاوت) فرد می‌شود. در هر دو توضیح بیان شد که اگر نَفَس ملوّن به حقایق باطله و ملبّس به حجاب‌هایی چون ناقص بودن، اعتقاد به آرای باطله و توجه صرف به زندگی دنیوی باشد، موجب بی‌عصمتی و در نتیجه، شقاوت انسان می‌شود. علامه طباطبائی وجود صورت علمیه در اهل بیت^(ع) را اعتقاد به حق و مجهز بودن به درک حق دانسته‌است و علت معصوم بودن ذوات مقدسه را انعکاس صورت علمیه‌ای غیرملوّن و عاری از کجی و انحراف دانسته‌است.

۲-۴. لطف الهی با تثبیت ملکات روحی

چهارمین استدلال از آن فضل‌الله، صاحب تفسیر مِّن وَحی القرآن است. وی قبل از اینکه وارد بحث چگونگی دلالت آیه بر عصمت شود، «رجس» را معنا می‌کند. بیان وی درباره‌ی واژه مذکور همان تبیینی است که مفسر المیزان اشاره داشته‌است؛ یعنی آلودگی ظاهری و آلودگی باطنی. با این تفاوت که وی آلودگی باطنی را ملکات اخلاقی منفی و خطاهای فکری در درک امور می‌داند که موجب پلیدی روح می‌شود. از سوی دیگر، وی از کلمه «اراده اذهاب رجس از اهل بیت»، عصمت ذاتی را تلقی می‌کند و آن را همان «لطف الهی» می‌داند که در داخل نَفَس برانگیخته و موجب می‌شود تا مانع اعتقاد به باطل و عمل بد شود. وی در ادامه بیان داشته‌است که شیعیان از این آیه بر عصمت اهل بیت استدلال کرده‌اند و آورده‌است:

«الف و لام در "الرجس" دلالت دارد بر هر آنچه که موجب خلل و نقص در شخصیت فرد و تنفر از آن شود و اراده خدا دلالت می‌کند بر ازاله هر ریشه

عمیقی که موجب انحراف در شخص یا دفع خطا از او می‌شود. اراده مذکور، اراده تکوینی است؛ اراده‌ای که خصوصیت‌های ذاتی را در داخل ذات شخص به وجود می‌آورد و داخل می‌کند، به گونه‌ای که برای شخص ملکات روحی ثابتی محقق می‌شود که او را در جهت ایجاد فکر و روحی که آن را به سمت حق، چه در قول، فکر و عمل، بکشاند» (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق.، ج ۱۸: ۳۴).

۲-۵. مفهوم آیه تطهیر از نظر مفسران اهل سنت

اهل سنت آیه را دلالت بر فضیلت و امتیازی ویژه برای اهل بیت بر شمرده‌اند (ر.ک؛ هیمی، بی‌تا، ج ۲: ۴۲۵)؛ از جمله سید قطب با ارائه تصویر فنی از آیه، آن را دلالت بر تکریم و تعظیم بس شگرف برای مخاطب تبیین می‌کند (ر.ک؛ شاذلی، ۱۴۱۲ق.، ج ۵: ۲۸۶۲). با دقت در تفاسیر و آرای دانشمندان سلف و معاصر اهل سنت، دو دیدگاه با استناد به دلایل درون قرآنی و برون قرآنی ارائه شده‌است که عبارتند از:

۲-۵-۱. تقوای دینی

در این دیدگاه، مصداق اهل بیت تنها زنان پیامبر^(ص) است و معنای آن عبارت است از اینکه خداوند شرط رسیدن به اذهاب رجس (ازالۀ گناه) و تقوای الهی زنان پیامبر را انجام اوامر و ترک نواهی بیان کرده‌است. در واقع، انجام این تکالیف موجب رسیدن به درجه متقین و تقوای الهی می‌شود (ر.ک؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق.، ج ۱: ۳۶۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق.، ج ۲۵: ۱۶۸؛ شاذلی، ۱۴۱۲ق.، ج ۵: ۲۸۶۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق.، ج ۱۱: ۱۹۷، ۱۹۸ و ۱۹۹ و طنطاوی، بی‌تا، ج ۱۱: ۲۰۷). در دیگر تفاسیر اهل سنت، زنان و فرزندان پیامبر^(ص) مصداق اهل بیت هستند و معنای آیه را همان تقوای دینی بیان کرده‌اند (ر.ک؛ ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۳: ۲۵۸ و قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۴: ۱۸۳) که اختلاف آن‌ها با مفسران پیشین در مصداق است. سرانجام، ابن تیمیه مصداق اهل بیت را در آیه تطهیر به پنج تن نسبت می‌دهد و از اینکه زنان را داخل در آیه یا خارج کند، چیزی ننوشته است و معنای آیه را دعایی در حق اهل بیت^(ع) دانسته‌است برای انجام تکالیف و اجتناب از معاصی که

مستحق ذم و عقاب نگردند (ر.ک؛ ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ج ۵: ۱۳-۱۴). از یک سو، وی آیه را فضیلت دانسته است و از سوی دیگر، این فضیلت را همسان و نسبت به بعضی دیگر از آیات (التوبه/ ۱۰۳)^{۱۱} از فضیلت کمتری برخوردار می‌داند.

۲-۵-۲. تقوای شدید

بر اساس این دیدگاه، زنان پیامبر^(ص) مصداق اهل بیت هستند که ملزم به تقوای شدید هستند. معنایی که این طیف ارائه می‌دهند، تقوای شدید با ثواب و عقاب دوبرابر است که به معنای آیه ۳۰ و ۳۱ سوره احزاب^{۱۲} اشاره دارد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۶: ۴۶۸ و آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱: ۱۹۷، ۱۹۸ و ۱۹۹). تقوای شدید، یعنی این تکلیف شدید موجب دوچندان شدن اجر و عقاب برای شما می‌شود و با این تشدید در تکالیف، خداوند می‌خواهد از شما رجس را ببرد و پاکتان کند.

۳. بحث و تحلیل

۳-۱. مقایسه آرای مفسران ذیل آیه تطهیر

دلایل متنی و برون‌متنی هر یک از مفسران در دو جدول ذیل همراه با نقد، به تفکیک و رویکرد تاریخی تفاسیر بیان شده است. در بستر تاریخ مفسران شهیر شیعه، ادله اثبات عصمت آل عبا^(ع) در چهار تقریر ذیل آیه مذکور بیان شده است. قاطبه آنان تفسیر خود را بر اساس تبیین طبرسی بیان داشته‌اند که در ادامه، نظرات آنان در جدول ذیل بیان می‌شود.

ردیف	مفسر	دیدگاه	دلایل	نقد
۱	طوسی ^(۵) (ق.)	مصداق اهل بیت، پنج تن آل عبا ^(ع) است / آیه دال بر عصمت آنان.	روایات مستفیض / «إنما» به معنای «لیس» / قاعدة لطف الهی.	واضح و سلیس نبودن «اراده» به معنای رجوع به لطف الهی.
۲	طبرسی ^(۶) (ق.)	مصداق اهل بیت، پنج تن آل عبا ^(ع) / آیه دال بر عصمت آنان.	روایات مستفیض / «إنما» به معنای «لیس» / اراده تکوینی = امر کُن فیکونی.	معنایی جبرگرایانه مخالف با شرط کرامت و هدف خلقت است.

۳	حسینی استرآبادی (۱۰ ق.)	مصدق اهل بیت، پنج تن آل عبا ^(ع) / آیه دال بر عصمت آنان.	روایات مستفیض / «إنما» به معنای «لیس» / اراده تکوینی = امر گُن فیکونی.	معنایی جبرگرایانه مخالف با شرط کرامت و هدف خلقت است.
۴	کاشانی (۱۰ ق.)	مصدق اهل بیت، پنج تن آل عبا ^(ع) / آیه دال بر عصمت آنان.	روایات مستفیض / «إنما» به معنای «لیس» / اراده تکوینی = امر گُن فیکونی.	معنایی جبرگرایانه مخالف با شرط کرامت و هدف خلقت است.
۵	طباطبائی (۱۴ ق.)	مصدق اهل بیت، پنج تن آل عبا ^(ع) / آیه دال بر عصمت آنان.	نبودن سیاق واحد معنایی و روایات مستفیض / «إنما» دلالت دارد بر حصر حقیقی ایجاد صورت علمیه‌ای در نفس که اعتقاد به حق را در قلب می‌نشانند و پلیدی و گناه را زایل و از بین می‌برد.	فعل «یذهب» به معنای ازاله و از بین بردن است و این با مقوله عصمت اهل بیت ^(ع) ناسازگار است.
۶	حائری تهرانی (۱۴ ق.)	مصدق اهل بیت، پنج تن آل عبا ^(ع) / آیه دال بر عصمت آنان.	روایات مستفیض / «إنما» به معنای «لیس» / اراده تکوینی = امر گُن فیکونی.	معنایی جبرگرایانه مخالف با شرط کرامت و هدف خلقت است.
۷	بانو امین اصفهانی (۱۴ ق.)	مصدق اهل بیت، پنج تن آل عبا ^(ع) / آیه دال بر عصمت آنان.	روایات مستفیض / «إنما» به معنای «لیس» / اراده تکوینی = امر گُن فیکونی.	معنایی جبرگرایانه مخالف با شرط کرامت و هدف خلقت است.
۸	مغنیه (۱۴ ق.)	مصدق اهل بیت، پنج تن آل عبا ^(ع) / آیه دال بر عصمت آنان.	نه تکوینی است و نه تشریعی.	مشخص نکردن معنا و دلالت خود.
۹	حسینی شیرازی	مصدق اهل بیت، پنج تن آل عبا ^(ع) / آیه دال	مراد از «رجس»، «ذنب» است؛ یعنی	تبیین نکردن اراده مذکور در آیه.

	(ق.۱۵).	بر عصمت آنان.	«اذهب ذنب» که همان عصمت است.	
۱۰	فضل الله (ق.۱۵).	مصدق اهل بیت، پنج تن آل عبا ^(ع) / آیه دال بر عصمت آنان.	نبود سیاق واحد معنایی و روایات مستفیض / «إنما» دلالت بر حصر حقیقی دارد. تکوین خصایص ذاتی که به وجود آورنده ملکات ثابت روحی است.	
۱۱	طیب (ق.۱۵).	مصدق اهل بیت، پنج تن آل عبا ^(ع) / آیه دال بر عصمت آنان.	اراده تکوینی با طهارت قلب از عقاید باطل / طهارت نفس از رزائل اخلاقی و....	مشخص نبودن معنای اراده.

به نظر می‌رسد که بعد از صاحب مجمع‌البیان، دیدگاه و نحوه استدلال این مفسر در نزد مفسران متأخر به شکل گسترده‌ای استفاده شده‌است و غالب آنان مبنای چگونگی دلالت آیه بر عصمت را بر اساس دیدگاه او استوار کرده‌اند که تقریر آن بیان شد. بر اساس بررسی و تبیینی که از مفسران بیان شد، می‌توان نحوه استدلال مفسران را در دو وجه کلی بیان کرد: وجه اول، تمام مفسران سلف با دقت در معنای اراده الله، چیستی و چگونگی آن و تفاوت آن با اراده تشریعی، سعی در اثبات تقریر خود داشته‌اند که به شکل گسترده‌ای مورد استناد دیگر مفسران قرار گرفته‌است (ر.ک؛ سبزواری نجفی، ۱۴۱۹ق. ۴۲۷؛ طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۵۰۴؛ حسینی، ۱۴۰۴ق.، ج ۱۳: ۱۰۴؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲۴: ۱۳۲؛ کاشانی، ۱۴۲۳ق.، ج ۵: ۳۷۳؛ امین اصفهانی، ۱۳۶۱، ج ۱۰: ۲۲۷ و حائری تهرانی، ۱۳۷۷، ج ۸: ۳۰۴). اما در وجه دوم که برآمده از نگاه فقه‌اللغوی به واژگان آیات است و با استفاده از دامنه معنایی واژگان آیه، سعی در اثبات تقریر خود داشته‌اند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱: ۶۴۶۸ و فضل‌الله، ۱۴۱۹ق.، ج ۱۸: ۳۴). بدین گونه از تطبیق به تفسیر نص بیشتر نزدیک شده‌اند و در تبیین مسئله مورد نظر، به معنای حقیقی و باطنی واژگان اشاره کرده‌اند.

در مقابل دیدگاه شیعه، آرای اهل سنت قرار دارد. آنان بر اساس سیاق آیه و حدیثی که از عکرمه در باب شأن نزول آیه بیان شده است، خطاب اصلی آیه را ابتدا به زنان پیامبر^(ص) دانسته اند و بر اساس دیگر، روایاتی که از سلمه، عائشه و دیگر صحابه نقل شده است، مصداق آن را پنج تن آل عبا^(ع) بیان کرده اند و آیه را دلالت بر تقوای شدید تفسیر کرده اند (ر.ک؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق.، ج ۱: ۳۶۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق.، ج ۲۵: ۱۶۸؛ شاذلی، ۱۴۱۲ق.، ج ۵: ۲۸۶۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق.، ج ۱۱: ۱۹۷، ۱۹۸ و ۱۹۹ و طنطاوی، بی تا، ج ۱: ۲۰۷). در ادامه، در جدول ذیل، آرای همراه با دلایل و نقد دیدگاه آنان بیان می شود:

ردیف	مفسر	دیدگاه	دلایل	نقد
۱	طبری (۴ق.)	پنج تن آل عبا و زنان پیامبر ^(ص) / تقوای دینی.	روایات / اتصال آیه تطهیر با آیه قبل.	نبود سیاق معنایی واحد / تقوای دینی دستور عام است.
۲	فخر رازی (۶ق.)	پنج تن آل عبا و زنان پیامبر ^(ص) / تقوای دینی.	روایات / اتصال آیه تطهیر با آیه قبل.	آیات قبل و بعد در توبیخ و شماتت زنان (نبود سیاق معنایی واحد) / تقوای دینی دستور عام است.
۳	زمخشری (۶ق.)	زنان پیامبر ^(ص) / تقوای دینی.	استدلال ضمنی به سیاق آیه / روایات.	عکرمه: نبود سیاق معنایی واحد / تقوای دینی دستور عام است.
۴	قرطبی (۷ق.)	پنج تن آل عبا و زنان پیامبر ^(ص) / اشاره به معنای معهود از اهل سنت نداشته اند. تنها بر مصداق، اقامه دلیل کرده اند.	روایات / سیاق آیه.	آیات قبل و بعد در توبیخ و شماتت زنان (نبود سیاق معنایی واحد) / تقوای دینی دستور عام است.
۵	ابن تیمیه (۷ق.)	پنج تن آل عبا / تقوای دینی (اجتناب از)	آیه تطهیر دعایی است در حق اهل	وجود دو حصر در آیه (إنما و تقدیم جار و

		معاصی و انجام واجبات).	بیت برای انجام تکالیف و اجتناب معاصی که مستحق ذم و عقاب نگردند.	مجرور) دلالت بر اراده تکوینی خدا دارد، نه خواست تشریعی او / خود ابن تیمیه آن را فضیلت برمی شمرد (تناقض با سخن خود).
۶	ابن کثیر (۸ ق.)	جمع بین احادیث؛ یعنی هم زنان و هم فرزندان.	روایات / اتصال آیه تطهیر با آیه قبل / سیاق.	آیات قبل و بعد در توبیخ و شماتت زنان (نبود) سیاق معنایی واحد / تقوای دینی دستور عام است.
۷	نخجوانی (۱۰ ق.)	پنج تن آل عبا و زنان پیامبر ^(ص) / کمال کرامت و عصمت.	ازالۀ رجس دلالت بر کمال کرامت، نجابت و عصمت می کند.	آیات قبل و بعد در توبیخ و شماتت زنان (نبود) سیاق معنایی واحد) و عصمت تنها بر پنج تن منطبق است. / نساء نبی معصوم نیستند به دو دلیل: خود قرآن از گناهکار بودن آنان در آیه ۴ و ۵ سورة تحریم خبر می دهد و خود آیات سورة احزاب بر نبود عصمت دلالت دارد. از سوی دیگر، هیچ یک از صحابه و تابعین، هیچ گونه نقل و قولی را در این راستا بیان نکرده اند.
۸	آلوسی (۱۳ ق.)	مصدق اهل بیت، زنان پیامبر ^(ص) / تقوی دینی.	روایات (از عکرمه) / سیاق آیه.	آیات قبل و بعد در توبیخ و شماتت زنان (نبود) سیاق معنایی واحد /

			تقوای دینی دستور عام است. حدیث عکرمة مورد جرح واقع شده است.
۹	ابن عاشور (۱۴ق.)	پنج تن آل عبا و زنان پیامبر ^(ص) / اشاره به همان تقوای دینی دارد.	زنان به صراحت آیه (سیاق) و حدیث عکرمة، مصداق اهل بیت است و پنج تن آل عبا به دلیل سنت/ «إنما» دلیل اتصال ماقبل به ما بعد است.
۱۰	سید قطب (۱۴ق.)	زنان پیامبر ^(ص) / تقوای دینی.	آیات قبل و بعد در توبیخ و شماتت زنان (نبود) سیاق معنایی واحد)/ تقوای دینی دستور عام است.
۱۱	طنطاوی (۱۵ق.)	زنان پیامبر ^(ص) / تقوای دینی.	آیات قبل و بعد در توبیخ و شماتت زنان (نبود) سیاق معنایی واحد)/ تقوای دینی دستور عام است/ حدیث عکرمة جرح واقع شده است.

۲-۳. نقد دیدگاه اهل سنت

قاطبه اهل سنت آیه را به تقوای دینی تفسیر کرده اند که مصداق اولیّه آن، زنان پیامبر است. به سه دلیل نظر این طیف قابل نقد و رد است. نخست بر اساس روایات مستفیضی که از اهل سنت و شیعه وارد شده، مصداق اتم و اکمل اهل بیت^(ع)، پنج تن آل عبا^(ع) است (ر.ک؛ ابن حنبل، بی تا، ج ۶: ۴۲۳؛ طبری، ۱۴۱۲ق.، ج ۱۲: ۶؛ طبرانی، بی تا، ج ۳:

۵۱ و...). تنها یک روایت مصداق آن را زنان پیامبر نقل کرده‌است و آن روایت منقول از عکرمه است که با توجه به منقطع بودن روایت، این نقل بیشتر اجتهاد عکرمه را درباره آیه می‌رساند، نه چیز دیگری غیر از آن، هرچند که این تابعی از سوی بسیاری از علمای اهل سنت با القابی چون «کذاب، لیس یحتج بحديثه، غیر ثقة و...» جرح شده‌است (ر.ک؛ عقیلی، ۱۴۰۶، ج ۳: ۳۷۳-۳۷۴؛ ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۵: ۲۵؛ هاشمی، ۱۴۰۵، ج ۵: ۲۹۳ و...). دلیل دوم بر سیاق آیه استوار است. اهل سنت بر اساس سیاق آیه (آیات قبل و بعد از آیه ۳۳ سوره احزاب را در یک وحدت موضوعی می‌دانند که درباره زنان پیامبر^(ع) نازل شده‌است و) اهل بیت را خانواده پیامبر^(ع)، اعم از زن و فرزند می‌دانند. اما با دقت در خود سیاق، زنان پیامبر از دایره مصداقی واژه اهل بیت خارج می‌شوند؛ چراکه آیه تطهیر در مقام مدح و فضیلت است و آیات قبل و بعد نوعی توبیخ و شماتت زنان را بیان می‌کند و تنها مجاورت و آمدن آیه در بین آیات زنان پیامبر^(ص) دلالت بر سیاق یکسان نمی‌کند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۱: ۳۱۰-۳۱۱)، به‌ویژه در آیات قبل و بعد از آیه تطهیر، ضمائر جمع مؤنث بیان شده‌است، اما در آیه تطهیر، ضمائر جمع مذکر دلالت بر این دارد که مصداق آن ویژه افراد خاصی است. تقوای دینی نیز به دلیل اختصاصی نبودن و عام بودن معنای مذکور رد می‌شود؛ چراکه خداوند این آیه را به اهل بیت^(ع) اختصاص داده، دیگران را در آن شریک نکرده‌است. پس چگونه این تخصیص را باطل می‌کنند و آیه را از اینکه فضیلت برای آنان محسوب می‌شود، خارج می‌کنند؟ بنابراین، تقوای دینی شامل همه مردم است و دستوری است که خداوند بر همه مکلفان از مرد و زن واجب کرده‌است و هیچ اختصاص و فضیلتی را شامل زنان نمی‌کند. دیدگاهی دیگر که منتسب به اهل سنت نیست، اما محلّ طرح و اشکال می‌باشد، تقوای شدید است که بر اساس آن، آیه به تشدید تکالیف و تضعیف ثواب و عقاب مخصوص زنان پیامبر اشاره می‌کند، نه عموم مردم، در حالی که ضمیر «کُم» مذکر است و دیگران را شامل می‌شود و این خلاف آیات تشدید تکالیف است که خاص زنان پیامبر است. از سوی دیگر، اگر بیان شود که پیامبر^(ع) در میان آنان است و مذکر آمدن آن به دلیل وجود اوست، این نظر نیز باطل است؛ چراکه در انجام تکالیف، پیامبر^(ص) با زنان مقایسه نمی‌شود و عصمت آن جناب

مؤید از سوی خداست و اکتسابی نیست و با انجام تکالیف شدید به دست نیامده است که اگر چنین بود، تکلیف شدید مقدمه و یا سبب رسیدن به عصمت می شد و زنان نیز به آن می رسیدند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۶: ۴۶۸). این سخن را هیچ یک از مفسران عامه بیان نکرده اند! در پایان، ابن تیمیه آیه را فعل دعایی پیامبر^(ص) دانسته که هیچ دلالتی در اثبات امر عصمت، افضلیت و امامت اهل بیت^(ع) ندارد (ر.ک؛ ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق.، ج ۵: ۱۳-۱۴).

چنان که پیش از این بیان شد، «إنما» در این آیه دلالت بر حصر دارد و تقدم جار و مجرور بر اهل بیت^(ع) افاده حصر می کند که دلالت بر اراده تکوینی خدا دارد، نه تشریعی که عموم مکلفان را شامل می شود. از سوی دیگر، وی زمان نزول آیه تطهیر را در لابه لای قرائت دعای حدیث کساء دانسته است که یادآوری می شود روایات فراوانی (ر.ک؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق.، ج ۴: ۴۵۶) دلالت بر نزول آیه تطهیر پیش از حدیث کساء می کند و آنگاه حدیث کساء برای تعیین مصداق آیه از سوی پیامبر^(ص) بیان شد.

۴. دیدگاه برگزیده

دلالت آیه تطهیر بر عصمت بر اساس رویکرد تاریخی از شیخ طوسی تا علامه فضل الله روند تکاملی داشته است؛ یعنی با گذشت زمان، استدلال شیعیان چهارچوب محکم و موثقی پیدا کرده است. استدلال شیعیان در زمان شیخ طوسی بر اساس قاعده لطف بود و این قاعده در بین آنان در همه مباحث (نبوت، امامت و عصمت) ساری و جاری بود. صاحب تفسیر تبیان بر اساس آن قاعده به تبیین اراده الهی پرداخته که وضوح کامل معنایی از آن قاعده نشان نداده است و تنها به این نکته اشاره کرد که اهل بیت در هنگام اجتناب از قبیح به آن لطف رجوع می کنند که معنای سلیس و واضحی را بیان نکرده است. پس از طوسی، طبرسی «اراده» را همان «امر کُن فیکونی» معنی می کند که از پی اراده، تطهیر و اذهاب رجس شکل می گیرد. در واقع، طبرسی پا را یک قدم فراتر نهاده است و بیان کرده که آن قاعده لطف از فعل خدا صادر می شود که با صدور آن، اراده اذهاب رجس و تطهیر صورت می گیرد؛ یعنی خداوند اراده کرده است که به طور

مطلق و بدون هیچ قید و شرطی و نه از راه تکالیف، شما را تطهیر کند (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸: ۵۶۰). قاطبه مفسران شیعه تقریر صاحب مجمع‌البیان را با نقصان و اضافه ذکر کرده‌اند و آن را وجه استدلال و استناد خود دانسته‌اند (ر.ک؛ سبزواری نجفی، ۱۴۱۹ق: ۴۲۷؛ طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۵۰۴؛ حسینی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۳: ۱۰۴؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲۴: ۱۳۲؛ کاشانی، ۱۴۲۳ق، ج ۵: ۳۷۳؛ امین اصفهانی، ۱۳۶۱، ج ۱۰: ۲۲۷ و حائری تهرانی، ۱۳۷۷، ج ۸: ۳۰۴). اما باید در نظر داشت که این معنا، یعنی اراده محقق از یک سو مخالف با شرط کرامت انسانی است که مختار آفریده شده‌است و از سوی دیگر، با هدف خلقت که دار آزمایش است، در تنافی می‌باشد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶: ۴۶۸). در نتیجه، این معنای از «اراده» نمی‌تواند معنای صحیحی باشد؛ چراکه عصمت به دست آمده اهل بیت^(ع) را جبرگونه نشان می‌دهد و این با آن کرامت انسانی در تضاد است.

بعد از دو دیدگاه مذکور، تقریر علامه طباطبائی مطرح می‌شود که وی ذیل آیه تطهیر، بدون توجه به قاعده لطف، استدلال خود را از دریچه معنای واژگان، یعنی با توجه به مفهوم واژه‌های «رجس»، اراده و تطهیر بیان می‌کند. وی «رجس» را هیئت خبیثه‌ای می‌داند که اگر انسان دچار این رجس‌ها شود، قلبش معتقد به باطل و از قیل آن دچار عمل قبیح می‌شود و «اراده اذهاب رجس»، یعنی خدا می‌خواهد اعتقاد به باطل و عمل زشت را از شما اهل بیت ازاله کند و از بین ببرد. وی می‌گوید برای اینکه این ازاله صورت بگیرد، باید مقابل آن، یعنی تطهیر و اعتقاد به حق را در قلب آنان وارد کرد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶: ۴۶۸ و قرشی، ۱۳۷۷، ج ۸: ۳۵۴). در این صورت، اراده خداوند بر آنان تعلق می‌گیرد.

بعد از تقریر صاحب تفسیر المیزان، دیدگاه علامه فضل‌الله، صاحب تفسیر من وحي القرآن مطرح است. وی در تحلیل و تفسیر خود بر اساس تقریر علامه طباطبائی، دیدگاه خویش را بیان داشته‌است؛ بدین سان که علامه طباطبائی رجس را هیئت خبیثه در درک نفسانی و اثر شعوری می‌دانست که قلب را معتقد به باطل و عمل به بدی می‌کرد. فضل‌الله این معنا، یعنی اعتقاد و عمل به باطل را به مصداق و عینیت تفصیل کرده‌است و آن را

همان ملکات اخلاقی منفی و خطاهای فکری تبیین می‌کند. علامه طباطبائی «اراده اذهاب رجس» را به معنای ازاله اعتقاد باطل از طریق ایجاد صورت علمیه‌ای در نفس تفسیر کرده که انسان را از هر باطلی در عقاید و اعمال حفظ می‌کند و علامه فضل‌الله آن را به معنای همان لطف الهی می‌داند که در داخل نفس برانگیخته و موجب می‌شود تا مانع اعتقاد به باطل و عمل بد شود (ر.ک؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق.، ج ۱۸: ۳۴). در این تقریر، به نظر می‌رسد که علامه فضل‌الله دو تقریر مفسران متقدم را به هم آمیخته‌است و از یک سو، توجه تام به تقریر علامه طباطبائی دارد و تفسیر وی را شرح و مفاهیم آن را تعریف به مصداق کرده‌است و از سوی دیگر، با توجه به تقریر شیخ مفید و شیخ طوسی که اراده اذهاب رجس از اهل بیت^(ع) را با قاعده لطف شرح داده بودند، صاحب تفسیر من وحی القرآن «صورت علمیه در نفس» علامه طباطبائی را همان قاعده لطفی دانسته که در داخل نفس برانگیخته و موجب می‌شود تا مانع اعتقاد به باطل و عمل بد شود. به نظر می‌رسد که علامه طباطبائی تعریف به مفهوم، و فضل‌الله تعریف به مصداق کرده‌است. با وجود این، همان گونه که بیان شد، هر دو سخن در یک معنا هدایت می‌شوند که یکی تفسیر و مبیین تفسیر دیگری است. اما اینکه بین استدلال‌های مذکور کدام یک بر دیگری تفوق دارد، با دقت در استدلال‌های بیان شده، یک سیر تکاملی اثبات می‌شود. در ابتدا شیخ طوسی و طبرسی تنها بر دو لفظ «إنما» و «یرید الله» استدلال خود را بیان کردند که نتیجه آن در دو استدلال تقریر شد: یکی «اراده» به معنای «لطف» (اشاره به قاعده لطف) و دیگری «اراده عصمت» بر اساس امر کُن فیکونی (منشاء اراده، فعل خداوند است). در زمان شیخ طوسی، یکی از مباحث مهم کلامی در میان مسلمانان، بحث قاعده لطف، چیستی و چگونگی این قاعده بود که به تفصیل در این زمینه قلم زده‌اند (ر.ک؛ مفید، ۱۴۱۳ق.، ۳۱ و سید مرتضی، ۱۴۱۱ق.، ۱۸۶) و طوسی آن قاعده را ذیل آیه به کار برده‌است، اما در چیستی و چگونگی اراده در اذهاب رجس که لطف بود، تبیین دقیقی نشده‌است و تنها به این مطلب اشاره کرده که اهل بیت در منع به انجام قبايح، به لطف رجوع می‌کنند و به این مطلب اشاره نداشته که اراده به معنای لطف دقیقاً چه چیزی است! شیخ طبرسی آن را به فعل خداوند ارجاع داده‌است و آن را امر کُن فیکونی خدا برشمرده که از اذهاب

رجس تا تطهیر آنان، تنها یک امر فاصله است و خداوند آنان را با امر کُنْ فَيَكُونِي پاک و طاهر کرده است. این معنا نیز شبیه به همان اراده مطلقه‌ای است که علامه طباطبائی آن را خلاف شرطی که خدا برای کرامت انسانی، یعنی اختیار قائل است، نقد و رد کرده است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶: ۴۶۸). طباطبائی و فضل‌الله هر دو با توجه به سه واژه «اراده»، «رجس» و «تطهیر» استدلال خود را تقریر کرده‌اند که بیانش گذشت و هر دو با دو ادبیات متفاوت به یک مفهوم، استدلال خود را آوردند. البته به نظر می‌رسد که فضل‌الله استدلال طباطبائی را تفسیر و تبیین کرده است که پیش از این بیان شد و تنها تفرقی که استدلال فضل‌الله بر استدلال طباطبائی دارد، در تبیین معنای فعل «یذهب» است که طباطبائی آن را به «ازاله و از بین بردن» معنا، و فضل‌الله آن را نیز به معنای «ازاله، منع و دفع» تبیین کرده است، با این تفاوت که ازاله، ازاله گناه نیست، بلکه اشاره به سبب و ریشه آن است. معنای اول با مقام عصمت تنافر دارد و بر آن خدشه وارد می‌شود و معنای دوم چنین اشکالی را با ترجمه دقیق واژه برطرف می‌کند و استدلال را نیکوتر نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری

چگونگی دلالت آیه تطهیر بر عصمت اهل بیت^(ع) در بستر تاریخ، روندی تکاملی داشته است و تقریرهای جدیدی از سوی مفسران شهیر شیعه ارائه شده است. قاطبه مفسران شیعه با تکیه بر چیستی و چگونگی اراده خدا در اذهاب رجس اهل بیت^(ع)، تقریرها و استدلال‌های متفاوتی ذیل آیه تطهیر داشته‌اند. شیخ طوسی اراده خدا را در قالب نظریه لطف تفسیر، و صاحب تفسیر مجمع‌البیان، اراده خدا را اراده تکوینی و مطلق، تطبیق و تفسیر کرده است. دیگر مفسران شیعه بعد از شیخ طوسی و شیخ طبرسی، در اثبات عصمت اهل بیت^(ع) در ذیل آیه، تقریرهای این دو مفسر را مبنای تفسیر و استدلال خود قرار داده‌اند که با ورود به عصر جدید، علامه طباطبائی و به دنبال او، علامه فضل‌الله، تقریرهای جدیدی را با دقت در مفهوم واژگان «اراده»، «رجس» و «تطهیر» ارائه کرده‌اند. دیدگاه درک حقیقت در اعتقاد و عمل و نیز دیدگاه لطف الهی با تثبیت ملکات روحی که هر یک به ترتیب، تقریر دو مفسر یک عصر است، اوج تکامل تقریرهای مکتب شیعه

در ذیل آیه تطهیر به شمار می آیند. دیدگاه صاحب تفسیر المیزان وزانت و استحکام بیشتری از نظر استدلال دارد، با این شرط که فعل «یذهب» به معنای «دفع و منع» باشد. به این اشکال صاحب تفسیر من وحی القرآن دقت داشته، آن را به معنای «ازاله، منع و دفع» تفسیر کرده است. به هر حال، تقریر علامه طباطبائی با رفع این اشکال، برترین استدلال ذیل آیه تطهیر است و تقریر علامه فضل الله که در ظاهر تنها تقریری بدون اشکال بیان شده است، استدلال تنزل یافته علامه طباطبائی در ساده سازی تقریر او به شمار می آید و همپای تفسیر المیزان می تواند باشد.

در میان اهل سنت، از تفسیر طبری (قرن ۴ ق.) تا تفسیر سید قطب و طنطاوی (قرن ۱۵ ق.)، دلالت آیه را بر تقوای دینی زنان و فرزندان پیامبر^(ص) تفسیر کرده اند که با دقت در آیات قبل و بعد از آیه تطهیر که در تویخ و شماتت زنان است (نبود سیاق واحد) و عام بودن دستور تقوای دینی و جرح روایت عکرمه، این دلالت را ناپذیرفتنی نشان می دهد و بر دلالت بیان شده از سوی آنان خدشه وارد می کند که فضیلت، تکریم و تعظیم بس شگرف و امتیازی ویژه برای اهل بیت (اعم از زنان پیامبر و پنج تن آل عبا^(ع)) برشمرده بودند.

پی نوشت ها

۱. ﴿إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾: فرمان او جز این نیست که چون چیزی را بخواهد، بدو می گوید: باش! بی درنگ خواهد بود^(ک).

۲. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾: ای مؤمنان! چون برای نماز برخاستید، چهره و دست هایتان را تا آرنج بشوید و بخشی از سرتان را مسح کنید و نیز پاهای خود را تا برآمدگی روی پا و اگر جنب بودید، غسل کنید و اگر بیمار یا در سفر بودید و یا از جای

قضای حاجت آمدید یا با زنان آمیزش کردید و آبی نیافتید، به خاکی پاک تیمم کنید. با آن بخشی از چهره و دست‌های خود را مسح نمایید. خداوند نمی‌خواهد شما را در تنگنا افکند، ولی می‌خواهد شما را پاکیزه گرداند و نعمت خود را بر شما تمام کند. باشد که سپاس گزارید ﴿۹۰﴾.

۳. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾: ای مؤمنان! جز این نیست که شراب، قمار، انصاب و ازلام، پلیدی (و) کار شیطان است. پس از آن‌ها دوری کنید. باشد که رستگار گردید ﴿المائدة / ۹۰﴾؛ ﴿قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خَنزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهْلًا لِّغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾: بگو: در آنچه به من وحی شده است، چیزی نمی‌یابم که برای خورنده‌ای که آن را می‌خورد، حرام باشد، مگر مردار و یا خون ریخته یا گوشت خوک که پلید است و یا (آنچه) از سر نافرمانی جز به نام خداوند ذبح شده باشد، اما کسی که (از خوردن آن‌ها) ناگزیر شده است، در حالی که افزونخواه (برای رسیدن به لذت) و متجاوز (از حد سدّ جوع) نباشد. بی‌گمان پروردگارت آمرزنده و بخشاینده است ﴿الأنعام / ۱۴۵﴾.

۴. ﴿سَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ إِذَا انْقَلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ لِنُغْرَضُوا عَنْهُمْ فَاعْرِضُوا عَنْهُمْ إِنَّهُمْ رِجْسٌ وَمَا لَهُمْ جَهَنَّمَ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾: هنگامی که نزد ایشان باز گردید، برای شما به خداوند سوگند خواهند خورد که دست از سر آنان بردارید. بنابراین، از آنان رو بگردانید که پلیدند و به کیفر آنچه انجام می‌دادند، جایگاهشان دوزخ است ﴿التوبة / ۹۵﴾؛ ﴿فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأْتِمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ﴾: خداوند هر کس را که بخواهد راهنمایی کند، دلش را برای (پذیرش) اسلام می‌گشاید و هر کس را که بخواهد در گمراهی و انهد، دلش را تنگ و بسته می‌دارد؛ گویی به آسمان فرامی‌رود. بدین گونه خداوند عذاب را بر کسانی که ایمان نمی‌آورند، برمی‌گمارد ﴿الأنعام / ۱۲۵﴾ و نیز ر.ک؛ الأعراف / ۷۱؛ التوبة / ۱۲۵ و

۵. ﴿إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسُ أَمَنَةً مِنْهُ وَ يُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَ يُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَ لِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَ يُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ: (یاد کن) آنگاه را که (خداوند) خوابی سبک را بر شما فرامی‌پوشاند تا از سوی او آرامشی (برای شما) باشد و از آسمان آبی فرومی‌باراند تا شما را بدان پاکیزه گرداند و پلیدی شیطان را از شما بزدايد و دل‌هایتان را نیرومند سازد و گام‌ها(یتان) را بدان استوار دارد﴾ (الأنفال / ۱۱).

۶. ﴿إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ: و آنگاه فرشتگان گفتند: ای مریم! خداوند تو را برگزید و پاکیزه داشت و بر زنان جهان برتری داد﴾ (آل عمران / ۴۲).

۷. ﴿لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ: هیچ گاه در آن (مسجد) حاضر مشو! بی‌گمان مسجدی که از روز نخست بنیان آن را بر پرهیزگاری نهاده‌اند، سزاوارتر است که در آن حاضر گردی. در آن مردانی هستند که پاکیزه کردن (خود) را دوست می‌دارند و خداوند پاکیزگان را دوست دارد﴾ (التوبه / ۱۰۸).

۸. ﴿قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحِمَتُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ: گفتند: آیا از کار خداوند در شگفتی، با آنکه بخشایش خداوند و برکات او ارزانی شما خاندان (رسالت) است؟ بی‌گمان او ستوده‌ای ارجمند است﴾ (هود. ۷۳).

۹. ﴿وَ حَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَ هُمْ لَهُ نَاصِحُونَ: و پیش از آن، (پستان) دایگان را از او بازداشتیم. (خواهر موسی) گفت: می‌خواهید شما را به خانواده‌ای رهنمون شوم که او را برای شما نگه دارند و خیراندیش او باشند؟﴾ (القصص / ۱۲).

۱۰. ﴿وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَ لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَ اقِمْنَ الصَّلَاةَ وَ آتِينَ الزَّكَاةَ وَ اطِغْنِ اللَّهَ وَ رَسُولُهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا: و در خانه‌هایتان آرام گیرید و چون خویش‌آرایی دوره جاهلیت نخستین

خودآرایی مکیند و نماز بپا دارید و زکات بپردازید و از خداوند و فرستاده او فرمانبرداری کنید، جز این نیست که خداوند می خواهد از شما اهل بیت هر پلیدی را بزدايد و شما را به شایستگی پاک گرداند ﴿(الأحزاب / ۳۳)﴾.

۱۱. ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ و خداوند از نخستین پیشاهنگان مهاجران و انصار و نیز کسانی که به نیکی از آنان پیروی کرده اند، خشنود است و آنها نیز از وی خشنودند و او برای آنان بوستان هایی فراهم آورده که جویبارها در بُن آنها روان است؛ هماره در آن جاودانند. رستگاری سترگ، این است ﴿(التوبه / ۱۰۰)﴾.

۱۲. ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا * وَ مَنْ يَقْنُتْ مِنْكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَ تَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَ أَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا﴾ ﴿(الأحزاب / ۳۰-۳۱)﴾.

منابع و مأخذ

- آلوسی، سید محمود. (۱۴۱۵ق.). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*. تحقیق علی عبدالباری عطیة. ط ۱. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد. (۱۳۶۷). *النهاية فی غریب الحديث والأثر*. ج ۴. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم. (۱۴۰۶ق.). *منهاج السنة النبویة فی نقض کلام الشیعة و القدریة*. تحقیق محمد رشاد سالم. ریاض: جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية.
- ابن حنبل، احمد. (۱۴۲۰ق.). *مسند احمد بن حنبل*. تحقیق شعيب الأرناؤوط و آخرون. ط ۲. بیروت: مؤسسة الرسالة.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل. (۱۳۸۲ق.). *المحكم و المحيط الأعظم*. القاهرة: معهد المخطوطات العربیة.

- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. (۱۳۷۹ق.). *مناقب آل أبی طالب علیهم السلام*. ط ۱. قم: مؤسسه انتشارات علامه.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر. (بی تا). *التحریر و التنویر*. ط ۱. بیروت: مؤسسة التاریخ.
- ابن فارس، أحمد بن فارس. (۱۴۰۴ق.). *معجم المقاییس اللغة*. تحقیق عبدالسلام محمد هارون. قم: مکتب الأعلام الإسلامی.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۹ق.). *تفسیر القرآن العظیم*. تحقیق محمد حسین شمس الدین. ط ۱. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق.). *لسان العرب*. ط ۳. بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
- اسکندری، حسن. (۱۳۹۰). «آیه تطهیر و دیدگاه سلفیه». *سراج منیر*. ش ۲. صص ۴۹-۷۰.
- امین اصفهانی، سیده نصرت. (۱۳۶۱). *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*. تهران: نهضت زنان اسلام.
- بابائی، علی اکبر. (۱۳۹۱). «استقلال نزول آیه تطهیر و تأثیر آن در ظهور و فهم معنای آیه». *اندیشه نوین دینی*. د ۸. ش ۲۸. صص ۲۵-۴۳.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان. (۱۴۱۶ق.). *البرهان فی تفسیر القرآن*. چ ۱. تهران: بنیاد بعثت.
- جوان ملکوتی، عبدالله. (۱۳۷۶). «اهل بیت و آیه تطهیر در تفاسیر مهم اهل سنت». *مقالات و بررسی ها*. ش ۶۲. صص ۷-۲۲.
- حائری تهرانی، میر سیدعلی. (۱۳۷۷). *مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر*. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- حسینی استرآبادی، سید شرف الدین علی. (۱۴۰۹ق.). *تأویل الآیات الظاهرة*. چ ۱. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- حسینی شیرازی، سید محمد. (۱۴۲۴ق.). *تقریب القرآن إلى الأذهان*. چ ۱. بیروت: دارالعلوم.

- ذهبی، شمس الدین محمد. (۱۴۱۳ق.). *الکاشف فی معرفة من له رواية فی الكتب السنة*. ط ۱. جدّه: دار القبلة للثقافة الإسلامية.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق.). *مفردات ألفاظ القرآن*. تحقیق صفوان عدنان داوودی. ط ۱. بیروت: دارالقلم.
- رحیمی، غلامرضا. (۱۳۸۳). «مصادق اهل بیت علیهم السلام در آیه تطهیر با رویکرد به منابع اهل سنت». *پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی*. ش ۸ و ۹. صص ۱۲۳-۱۴۶.
- زمخشری، جارالله محمود. (۱۴۰۷ق.). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. ط ۳. بیروت: دار الکتاب العربی.
- سجادی، سید جعفر. (۱۳۷۹). *فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا*. چ ۱. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- سید مرتضی، علی بن الحسین. (۱۴۱۱ق.). *الدخيرة فی علم الکلم*. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
- شاذلی، سیدبن قطب. (۱۴۱۲ق.). *فی ظلال القرآن*. ط ۱۷. القاهرة: دارالشروق.
- صدرای شیرازی، محمدبن ابراهیم. (۱۹۸۱م.). *الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة*. ط ۳. بیروت: دار إحياء التراث.
- طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق.). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ط ۵. قم: مکتبة النشر الإسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تحقیق محمدجواد بلاغی. چ ۳. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طبری، محمدبن جریر. (۱۴۱۲ق.). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. چ ۱. بیروت: دار المعرفة.
- طنطاوی، سید محمد. (بی تا). *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*. بی جا: بی نا.
- طوسی، محمدبن حسن. (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. ط ۱. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- طیب، سید عبدالحسین. (۱۳۷۸). *أطیب البیان فی تفسیر القرآن*. چ ۲. تهران: انتشارات اسلام.

- فخر رازی، ابو عبدالله محمد. (۱۴۲۰ق.). *مفاتیح الغیب*. بیروت: دار التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق.). *کتاب العین*. ط ۲. قم: نشر هجرت.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۶ق.). *القاموس المحیط*. ط ۸. بیروت: مؤسسه الرسالة للطباعة والنشر والتوزيع.
- فیض کاشانی، ملا محسن. (۱۴۱۵ق.). *تفسیر الصافی*. تحقیق حسین اعلمی. ط ۲. تهران: انتشارات الصدر.
- قرآن کریم*. (۱۴۱۵ق.). ترجمه سیدعلی موسوی گرمارودی. تهران: دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
- قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۷). *تفسیر أحسن الحديث*. تهران: بنیاد بعثت.
- قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴). *الجامع لأحكام القرآن*. ط ۱. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- قشیری، عبدالکریم بن هوازن. (۱۳۶۱). *رسالة قشيرية*. تصحیح بدیع الزمان فروزانفر. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ق.). *الکافی*. چ ۱. قم: دار الحديث.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۴ق.). *تفسیر الکاشف*. چ ۱. تهران: دارالکتب الإسلامية.
- مفید، محمد بن نعمان. (۱۴۲۴ق.). *تفسیر القرآن المجید*. چ ۱. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- نخجوانی نعمت الله بن محمود. (۱۹۹۹م.). *الفوائد الالهية و المفاتيح الغيبية*. مصر: دار رکابی للنشر.
- هاشمی، محمد بن سعد (ابن سعد). (۱۴۱۳ق.). *الطبقات الكبرى*. چ ۱. بیروت: دار صادر.
- هیتمی مکی، احمد بن حجر. (۱۴۱۷ق.). *الصواعق المحرقة*. تحقیق عبدالرحمن عبدالله ترکی و کامل محمد خراط. چ ۱. بیروت: مؤسسه الرسالة.